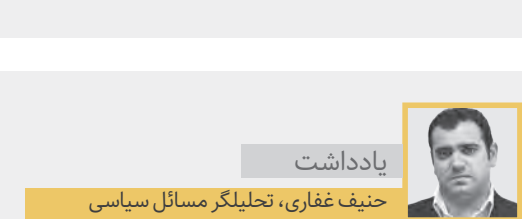


دیدار دبیر شورای عالی امنیت ملی با رهبر معظم انقلاب اسلامی



سرلشکر دکتر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کرد. به گزارش رسانه رهبر انقلاب اسلامی، در این دیدار، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای از شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن به عنوان «چهارراه تدبیر» امور کشور یاد کردند و بر اثرگذاری متقابل چهار حوزه «فرهنگ»، «سیاست»، «اقتصاد» و «امنیت» و ضرورت برخورداری از پیوست‌های متناسب با تصمیم‌گیری در هر حوزه تأکید کردند. رهبر معظم انقلاب اسلامی بهره‌مندی از نقشه راه مبتنی بر تصویر کامل هر اقدام -از نقطه شروع تا نقطه پایان- را لازمه اتخاذ تصمیم‌های متفن و استوار دانستند. تقویت انسجام و وحدت ملی و اعتماد متقابل مردم و مسئولان، استفاده از ظرفیت قانون اساسی به‌خصوص اصل ۱۷۶ برای کمک به رئیس جمهور و دستگاه‌های اجرایی برای تسهیل و تسریع در حل مشکلات کشور، حفاظت از امنیت ملی و منطقه‌ای با اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز و تحکیم روابط دو‌جانبه با کشورهای همسایه بر پایه منافع پایدار و متقابل از جمله دیگر محورهای مطرح شده در این دیدار بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی مستأصل شدن دشمن را از ثمرات مقاومت ملی دانستند و بر اطلاع‌رسانی فعالانه و به‌موقع برای استمرار حضور مردم در دفاع از کشور و نظام و نیز پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه‌مقاومت از طریق تحقق شروط مطرح‌شده از سوی مسئولان کشور با هدف پایان جنگ و شرایط «نه جنگ، نه صلح» تأکید کردند. در این دیدار دبیر شورای عالی امنیت ملی گزارشی از شرایط کشور در حوزه‌های مختلف و تلاش‌های در حال انجام ارائه کرد. دکتر محسن رضایی در گزارش خود پیگیری سیاست راهبردی جمهوری اسلامی برای «سامان دادن به ترتیبات و نظم‌درون‌زای منطقه‌ای» را از جمله اقدام‌های در دست انجام دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بیان کرد.



همه راه‌ها به تهران ختم می‌شود!

نشست چهارجانبه تهران در محیطی برگزار شد که در مورد نیات آن گمانه‌زنی‌های متفاوتی قابل طرح است. از تأثیر چنین اجتماعی بر ترسیم نظم نوین منطقه‌ای تا مصافحه طرف‌ها درباره چالش‌های مشترک مانند پرونده یمن و حتی احتمال میانجی‌گری پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه در پرونده هسته‌ای مورد بحث است. گردهمایی مقامات دیپلماتیک چهار کشور مهم منطقه، در فضایی که تهدیدهای آمریکا و رژیم صهیونیستی اوج گرفته، بار معنایی بالاتری می‌یابد. به نظر همان گونه که سیاستون ما گفته‌اند و باید به روایت اعتماد کرد، در وهله نخست برگزاری نشست معطوف به برقراری نظم منطقه‌ای است. با وجود اختلافاتی که ممکن است در موضوعات مختلف وجود داشته باشد، اصلی‌ترین دغدغه که ایرانی‌ها را بر آن داشته با رویداد موافقت کنند، شکل‌دهی به یک نظم جدید متناسب با اوضاع و احوال جاری است.

این رویه نشأت گرفته از منطق درست در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است؛ اینکه امنیت جمعی درون‌زانتها با حضور بازیگران بومی محقق خواهد شد، راهبرد مذکور قابل توجه است، چراکه اسلام‌آباد، ریاض و آنکارا در قالب «پیمان مکّه» به هم‌افزایی مشترک به‌ویژه در حوزه مقابله با اقدام‌های رژیم اسرائیل دست یافته و جای خالی تهران در این میدان راهبردی احساس می‌شد. ازاین‌رو از نشست تهران چنین می‌توان دریافت که دغدغه مهم منطقه این است نخست هم‌افزایی بتواند قواعد نو تعریف کند، دوم بنیان‌های محکم‌تری داشته باشد و سوم بازیگران جدیدی پیدا کند.

از مورد اشاره شده به عنوان مهم‌ترین هدف‌گذاری گعده اخیر یاد می‌شود. احتمال انتقال پیام توسط نمایندگان سه کشور به ایران نیز بعید نیست؛ پیامی که به واسطه پاکستان، پیش‌تر با سعودی و ترکیه هماهنگ شده و در قالب یک مطالبه جمعی به جمهوری اسلامی عرضه می‌شود. در بحبوحه تنش‌های موجود، ترکیب هیئت‌های اعزامی این گمانه را تقویت می‌کند. در اینجا حضور افرادی مانند ابراهیم کالین، رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه و ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان که چهره‌ای مهم در حوزه میانجی‌گری شناخته می‌شود قابل بحث است.

گزارش دیروز الجزیره درباره اینکه منیر با تأیید ترامپ پیشنهادی به ایران داد، تقویت‌کننده موضع است. این رسانه مدعی است پیشنهاد روی میز درباره انتقال اورانیوم ۶۰درصد به کشور سوم (مانند روسیه) است و پاکستان، ترکیه، عربستان و قطر گفته‌اند ضامن توافق‌اند؛ یعنی بازگرداندن آن به ایران در صورت به‌هم خوردن توافق را تضمین می‌کنند. در نهایت، برخی با نگاهی بدبینانه، موازی با حضور هیئت قطری، سفر دیپلمات‌های ترکیه، پاکستان و عربستان به تهران را مشارکت آن‌ها در بازی سیاسی ترامپ با نیت پایین‌کنشیدن فتیله قیمت نفت در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا تعبیر کردند. این‌پده چندان قابل دفاع نیست؛ چراکه اگر ایالات متحده مطالبات هفت‌گانه ما را نپذیرد، بحث احیای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد منتفی است. باید گفت امروز همه راه‌ها به تهران ختم می‌شود؛ با فرض درست بودن سناریو، جمهوری اسلامی اصلاً کاری به اهداف انتخاباتی ترامپ و همچنین نسبت بازیگران با سیاست‌های کاخسفید ندارد. دغدغه‌های انتخاباتی رئیس جمهور آمریکا و نگرانی‌هایی که اسلام‌آباد، ریاض و آنکارا در نوع رابطه با واشنگتن دارند می‌تواند در نوع طراحی پیشنهاد آن‌ها مؤثر باشد ولی در تصمیم و تغییر خطوط قرمز ایران هیچ تأثیری نخواهد داشت.

سیاست

همزمان با مذاکرات رئیس‌جمهور کشورمان با مقامات روسیه و قطر درحاشیه اجلاس

مجمع کشورهای صادرکننده گاز، عمان پیشنهاد پیمان عدم تعرض با حضور ایران را مطرح کرده

قطر خواهان نظام امنیتی تازه است و چین برای مهار بحران فرستاده ویژه می‌فرستد

تکاپوی دیپلماتیک علیه نظم آمریکا محور



امنیت پایدار نیست. اکنون کشورهایی که زمانی تأمین امنیت را عمدتاً به واشنگتن واگذار می‌کردند، از گفت‌وگوی مستقیم با ایران و ترتیبات منطقه‌ای سخن می‌گویند.

■ عمان، صریح‌تر از دیگران

بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان در سخنرانی دانشگاه کمبریج پیشنهاد کرد: ۶ عضو شورای همکاری خلیج فارس همراه ایران و عراق پیمان عدم تعرض امضا کنند. او گفت: کنار گذاشتن ایران از ساختار امنیتی منطقه، آن ساختار را ناپایدار کرده و اتکالی طولانی‌مدت به قدرت‌های خارجی مانع شکل‌گیری سازوکارهای مشترک شده‌است. اهمیت موضع مسقط فقط دوت به مذاکره نیست. وزیر خارجه عمان صریحاً گفت نقش قدرت‌های خارجی در معماری امنیتی آینده نباید نقش اصلی باشد؛ هر چند روابط اقتصادی و دیگر همکاری‌ها می‌توانند ادامه پیدا کنند. این پیشنهاد از دل کشوری مطرح شده که هم با ایران ارتباط دارد و هم با غرب همکاری نزدیک.

■ دوحه؛ از میانجی‌گری تا معماری امنیت

سخنگوی وزارت خارجه قطر امروز اعلام کرد منطقه به نظام امنیتی تازه‌ای نیاز دارد که حاکمیت کشورها را محترم بشمارد. او تلاش‌های پیمان مکّه و میانجی‌گری قطر و پاکستان را مکمل یکدیگر دانست. هیئت قطری نیز پیش‌تر به تهران آمده بود تا برای مهار تنش میان ایران و آمریکا رازبازی کند. البته دوحه همزمان از ایران خواسته تهدید علیه کشورهای عربی را متوقف کند و مسیر هرمز را باز بگذارد. بنابراین سخن قطر به معنای پذیرش همه مواضع جمهوری اسلامی نیست. نکته اصلی آن است که حتی کشوری متکی به همکاری دفاعی با آمریکا، راه‌حل بلندمدت را در نظامی می‌بیند که نگرانی‌های همه بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران در آن مطرح شود.

■ چین نیز وارد میدان دیپلماسی شد

رویترز دیروز گزارش داد پکن به‌زودی فرستاده ویژه‌ای به کشورهای خاورمیانه اعزام می‌کند. وزارت خارجه چین

فراخبر

رویترز معتقد است حتی شکست نتانیاهو هم چیزی از بدخواهی صهیونیست‌ها درباره ایران کم نمی‌کند

انتخابات کنست ممکن است فرمانده را تغییر دهد، جنگ را نه

کند که می‌تواند مخالفان خود را فرسوده کند و همزمان از طریق متحدان منطقه‌ای فشار وارد آورد. یانگ می‌گوید: «این یک باتلاق است. ایرانی‌ها می‌توانند ترامپ را از پا دربیاورند». حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه تضعیف شده‌اند، اما شبکه گسترده‌تر گروه‌های همسو با ایران زنده مانده و این درگیری ممکن است عزم تهران را برای پیگیری بازدارندگی هسته‌ای تقویت کند. برای رهبران خلیج فارس، نتانیاهو همزمان تهدید و ابزار است. آن‌ها از سیاست‌های گسترش طلبانه او در غزه، کرانه باختری، سوریه و لبنان ناراضی‌اند، اما همچنان او را سیاستمداری می‌بینند که بیش از دیگران ایران را تحت فشار نگه می‌دارد. عبدالعزیز ساغر، رئیس مرکز تحقیقات خلیج می‌گوید: «سیاست‌های نتانیاهو در غزه، سوریه و لبنان مخرب است. اما در مورد ایران، پیش از آنکه درگیری بیشتر تشدید شود، به یک راه‌حل نیاز است. اگر نقش ایران مهار نشود، منطقه ممکن است به سمت ۵۰ سال سلطه ایرانی برود». در این شرایط جنگ با ایران به اصل سازمان‌دهنده امنیت خاورمیانه تبدیل شده‌است، فارغ از اینکه چه کسی در انتخابات اسرائیل پیروز شود. پیروزی نتانیاهو احتمالاً به تشدید درگیری منجر می‌شود، اما شکست او نیز به‌معنای عقب‌نشینی از سیاست فشار علیه تهران نخواهد بود. ایران در مرکز دکترین امنیتی جدید اسرائیل قرار گرفته و این موقعیت، هم برای تهران و هم برای کل منطقه، پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت.»

گسترش شهرک‌ها ادامه خواهد یافت. جنگ‌ها علیه ایران، حماس و حزب‌الله ادامه خواهد یافت. آنچه اکنون می‌بینید، پس از انتخابات هم خواهید دید، شاید حتی تهاجمی‌تر. تا زمانی که ایران در چنین وضعیتی باشد، حرف زدن از فلسطین اتلاف وقت است». نتانیاهو نیز اخیراً تأکید کرده اسرائیل باید «پیشگیری و تهاجم را بر مهار و دفاع» اولویت دهد، از جمله حملات پیشگیرانه برای خنثی کردن تهدیدهای نوظهور و خود را به عنوان قدرت منطقه‌ای تثبیت کند. گزارش تأکید می‌کند حتی اگر مخالفان نتانیاهو (به رهبری گادی آیزنکوت و حزب یاشار) قدرت را به دست بگیرند، تغییر بنیادینی در سیاست نسبت به ایران انتظار نمی‌رود. نهاد امنیتی اسرائیل و بخش عمده طبقه سیاسی آن، دیدگاه استراتژیک مشترکی دارند که بر محور مقابله با ایران، دفاع رو به جلو و حفظ بازدارندگی نظامی استوار است. این اجماع، دامنه تغییرات بزرگ سیاستی را محدود می‌کند.

از تهران تا ریاض، انتخابات سه‌شنبه اسرائیل نه به‌عنوان نقطه عطف، بلکه به‌عنوان آزمونی دیده می‌شود برای اینکه آیا خاورمیانه در حال ورود به دوره‌ای طولانی از تقابل است که در آن، جنگ‌ها فروش و شعله‌ور می‌شوند، اما درگیری‌های زیربنایی حل‌نشده باقی می‌مانند. نتانیاهو آشکارا فراتر از مهار ایران رفته و سرنگونی حاکمان روحانی آن را هدف قرار داده است. با این حال، تحلیلگران نظامی و سیاسی معتقدندد ایران پس از ماه‌ها جنگ، ممکن است روی این شرط‌بندی

مختلف که لزوماً فساد شخصی فرد یا گروهی نیست، مصادیق اصلی بی‌عدالتی است. از توزیع امکانات مالی نظیر بهره‌مندی از تسهیلات بانکی و رانت‌های ارزی تا فرصت‌های نابرابر آموزشی و علمی به نفع ثروتمندان و مصادیق متعدد دیگر می‌تواند موضوعات مهم پیگیری عدالتخواهان باشد، اما اگر انگیزه سیاسی و زدن رقبا هدف باشد، این موضوعات به کنار می‌روند تا افشاگری درباره فساد دغدغه طیف خاصی شود.

روز دوشنبه منظره قربان‌زاده و اشتیری در خبرگزاری فارس، در موضوع تراسستی‌های نفتی برگزار شد. آنچه در سال گذشته در حوزه فروش نفت رخ داد به وضوح تأخیر یا نکول تعهدات برخی تراسستی‌های نفتی بوده که وقایع دی سال گذشته را رقم زد و با نتایج تلخی که به بار آورد دشمن را برای تهاجم در اسفند ماه به میهن عزیزمان جری کرد و شد آنچه که به تلخی شاهد آن بودیم. در چنین شرایطی حتماً یکی از متهمان اصلی وزیر نفت است که چندی پیش استعفا کرد یا به‌روایتی در پوشش استعفا، برکنار شد.

نقش شرکت ملی نفت و شرکت نیکو به عنوان بازوی تعاملات بین المللی وزارت نفت در موضوع فروش نفت و نظارت بر تراسستی‌ها مشخص است، اما در این میان اینکه اشتیری برکناری وزیر نفت را به زعم

هدف این مأموریت را گسترش گفت‌وگو و جلوگیری از سرایت جنگ به دریای سرخ و شاخ آفریقا اعلام کرده است. این تصمیم هنوز طرح مشخصی برای جایگزینی آمریکا نیست؛ اما نشان می‌دهد بحران امنیتی خلیج فارس دیگر صرفاً در چارچوب تصمیم‌های واشنگتن و متحدانش تعریف نمی‌شود.

■ پیمان مکّه، گفت‌وگورا ادامه می‌دهد

الجزیره و رویترز دیروز گزارش دادند ایران، عربستان، ترکیه و پاکستان پس از نشست تهران توافق کرده‌اند مذاکرات مربوط به صلح و امنیت منطقه را ادامه دهند. به گفته یک مقام پاکستانی در گزارش رویترز، بحث ایجاد شبکه عدم تعرض نیز در مذاکرات مطرح بوده‌است. این اظهارات هنوز متن یک پیمان نهایی نیست، اما مسیر دیروز را از یک دیدار تشریفاتی فراتر می‌برد. از منظر ایران، این تحول مهم است. سه کشوری که پیمان دفاعی مستقل خود را دارند، برای مهار بحران با ایران گفت‌وگو می‌کنند، اما پیمان مکّه یابرجاست و اختلافات درباره حملات یمن، محاصره بنادر ایران و کشتیرانی هرمز همچنان حل نشده‌اند.

■ نگرانی خلیج فارس از آینده اسرائیل

صنم وکیل، مدیر برنامه خاورمیانه چتم‌هاوس، در گفت‌وگوی ۲۶ اکتبر توضیح داده دولت‌های خلیج فارس انتخابات اسرائیل را با توجه به احتمال تداوم رویکرد نظامی تل آویو دنبال می‌کنند. به ارزیابی او، تغییر دولت اسرائیل الزاماً سیاست این کشور درباره ایران را دگرگون نمی‌کند، اما شاید فضای بیشتری برای دیپلماسی منطقه‌ای فراهم آورد. این تحلیل نشان می‌دهد نگرانی همسایگان از پیش‌بینی ناپذیری تشدید نظامی اسرائیل و آثار آن بر اقتصاد و امنیت منطقه نیز در محاسبات آنان حضور دارد. گرچه این نگرانی به‌تنهایی به معنای پایان همکاری امنیتی کشورهای عربی با آمریکا یا اسرائیل نیست.

■ ایران و آزمون نظم تازه

مجموع تحولات اخیر، دشانه فرسایش نظم آمریکامحور در منطقه است. موضوعی که اکنون در حال فراگیر شدن میان همه کشورهای منطقه است. ایران در پیشنهاد عمان، موضع قطر و گفت‌وگوهای پیمان مکّه، بازیگری حذف‌ناشدنی به شمار می‌رود. فرصت راهبردی ایران آن است که این جایگاه را به ترتیبات روشن عدم تعرض، رفع محاصره، امنیت متقابل کشتیرانی و تضمین جلوگیری از حمله دوباره تبدیل کند. اگر این گفت‌وگوها به تعهدات قابل اجرا برسد، امنیت خلیج فارس می‌تواند به‌جای رقابت بر سر حمایت قدرت‌های بیرونی، بیشتر بر مسئولیت کشورهای خود منطقه استوار شود.

خودش به یک دعوای سیاسی وزدویند ادعایی درباره حضور فردی نزدیک به یک شخصیت در هیئت مدیره یک شرکت تقلیل می‌دهد، نه افشاگری که دیگر ضدافشاگری و سفیدشویی عملکرد دستگاه و وزیر ی است که حتماً باید در قبال فاجعه بدهی چند میلیارد دلاری برخی تراسستی‌ها پاسخگو باشد. این گونه است که تصویر کاریکاتوری عدالت‌خواهی به فروکاستن به افشاگری‌های بعضاً بی‌پایه حتی به مرحله نازل‌تر یعنی سفیدشویی سیاهکاران و در حقیقت ضدافشاگری مواجه می‌شود. ۴ مرداد سال گذشته پس از درگذشت مرحوم احمد توکلی در یادداشتی با تیتیر «منتقد منصف، انقلابی اخلاق‌مدار، عدالتخواه قانون‌گرا» سعی کردم با سه کلیدوازه انصاف، اخلاق‌مداری وقانون‌گرایی نوع رویکرد آن مرحوم در مقابله با فساد را با رویکرد جنجالی طیفی که خود را عدالتخواه می‌نامند، تبیین کنم. امروز این مسئله را به روشنی می‌بینیم که بی‌انصافی چگونه موجب می‌شود تخلف یک وزیر پشت ادعای اثبات نشده اعمال نفوذ یک مسئول گم‌شود.

می‌بینیم چگونه اخلاق‌مداری ذبح می‌شود تا مسئول ارشدی که یکی از محورهای اصلی اداره کشور و جنگ است بدون دلیل و مدرک متهم به اعمال نفوذ در انتصابات شود. می‌بینیم که چگونه

قانون‌گرایی نادیده گرفته می‌شود تا هر اتهامی بدون ارائه مستندات آن به محاکم قضایی و دستگاه‌های نظارتی در دوربین زنده بیان شود.

این در حالی است که مشی مرحوم توکلی در سوت‌زنی علیه فساد و تخلف، اولاً با اشراف کامل و تخصصی به موضوع و مشورت با متخصصان به تناسب موضوع، دوماً جمع‌آوری مستند مدارک و اسناد، سوماً پیگیری موضوع از طریق دستگاه مرتکب تخلف برای شنیدن توضیحات متهم و اتمام حجت با دستگاه مربوط، چهارم پیگیری موضوع از طریق مسئولان ارشد و دستگاه‌های نظارتی و در وهله پنجم کشاندن موضوع به فضای رسانه بود. چه بسا در هر کدام از این مراحل اتهامی رد و یا رویه فاسدی اصلاح می‌شد و کار به افشاگری نمی‌رسید، اما افسوس که شهوت‌راناتن سیاسی و دلدادگان به فالوور و مخاطب، افشاگری و قهرمان‌بازی را برای ارضای شهوات سیاسی و اهداف رسانه‌ای خود بهتر می‌دانند.

نمایش روز دوشنبه شکست مفتضحانه افشاگری بی‌منطق، هوچی‌گر، بی‌سواد و سیاست‌زده بود و نشان داد سوت‌زنی در کشور ما بیش از سرمشق گرفتن از نمونه‌های فیک، به بهره‌مندی از تجربه افراد سالم و وطن‌دوستی نظیر مرحوم توکلی نیاز دارد.



یادداشت

مهدی حسن‌زاده

جای خالی احمد توکلی در هیاهوی سوت زنان توخالی

عدالتخواه کیست و عدالت‌خواهی چیست؟ آنچه به عنوان یکی از مهم‌ترین آمال بشر و رسالت انبیا و اولیای الهی مطرح بوده، بعضاً در فضای سیاسی با کج‌فهمی‌هایی همراه می‌شود. شاید بتوان مهم‌ترین انگیزه ناراضیتی مردم در هر حکومتی را بی‌عدالتی یا احساس تبعیض و احساس بی‌عدالتی دانست. از این منظر برپای عدالت همواره مهم‌ترین خاستگاه هر مصلح یا مدعی اصلاح در طول تاریخ بوده است. در سپهر سیاسی کشور آنچه با عنوان عدالت‌خواهی به ویژه در یکی دو دهه اخیر پررنگ شد، با تقلیل مفهوم عدالت به افشاگری فساد همراه بود.

عدالت مفهومی گسترده است که افشاگری درباره فساد (با فرض صحت روند افشاگری) صرفاً بخشی از ابعاد آن است و تبعیض‌های ساختاری در بخش‌های